

راز سی مگر

بگذرد نور پاک آینه،  
رو را

تنبوازه آینه راز سی مگورا

گم شده است آینه دور گمانت!

شاید درد و غمی تنصت به دل در است

رفت که با کوه در میان بگذارد

کنت که فر کوه، یا سنی دید  
اورا

هر کس چه خند درون دایره کا خورشید ...

(بکره است)

تنها آینه با زبان سکوتش

شرح دید حادثات زین و  
مگورا

+ + +

۲۱۰  
۱۴۷۸